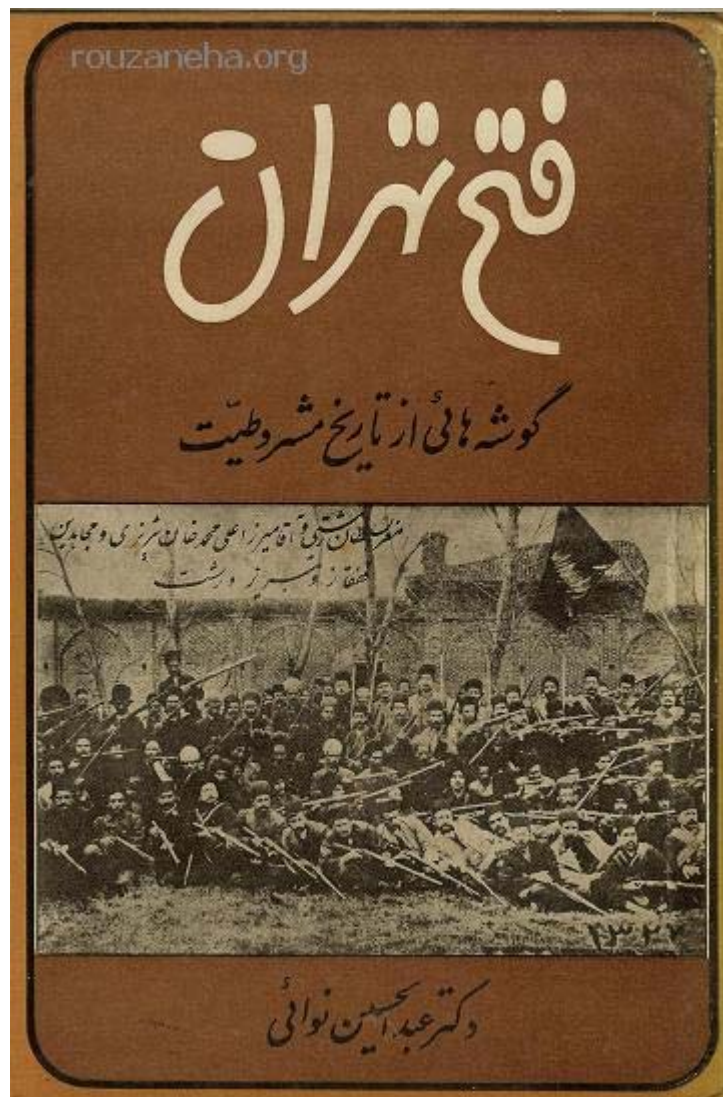


# 86

عبدالحسین نوائی: گشایش اولین مجلس شورای ملی

+

مجلس اول نخستین بودجهء سالیانه کشور را چگونه تصویب کرد





انتشارات بابک

- فتح تهران (مجموعه مقالات در باب مشروطیت)  
 نویسنده: دکتر عبدالحسین نوائی  
 چاپ اول، اسفند ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی  
 تیراژ ۲۰۰۰  
 چاپ مسعود سعد  
 انتشارات بابک، تهران، میدان - ۲۴ اسفند اول آیزنهاور، بازار ایران  
 طبقه سوم پلاک ۹۳ تلفن ۹۲۷۶۱۷

rouzaneha.org

### فهرست مقالات

- ۵-۹۲ فتح تهران  
 ۹۳-۱۰۹ گشایش اولین مجلس شورای ملی  
 مجلس اول نخستین بودجه سالبانه کشور را  
 ۱۱۰-۱۲۰ چگونه تصویب کرد  
 ۱۲۱-۱۲۵ اسرار قتل اتابک  
 ۱۳۶-۱۴۵ نخستین سالگرد مشروطه  
 ۱۴۶-۱۷۱ از وقایع روز بمباران مجلس شورای ملی  
 تحصن پنج ماهه آزادی خواهان در سفارت  
 ۱۷۲-۱۷۷ عثمانی در تهران  
 ۱۷۸-۱۹۳ دو قهرمان انقلاب آذربایجان  
 ۱۹۴-۲۰۸ rouzaneha.org آغاز انقلاب گیلان  
 ۲۰۹-۲۲۲ قانون اساسی ایران و متمم آن چگونه تدوین شد  
 ۲۲۳-۲۴۰ حمله داراب میرزا صاحب منصب روس به زنجان  
 ۲۴۱-۲۵۵ حیدر عمواوغلی و محمد امین رسول زاده  
 ۲۵۵-۲۷۰ چند نکته ظریف در حاشیه تاریخ  
 ۲۷۱- فهرستها

## گشایش اولین مجلس شورای ملی

فعالیت های مشروطه خواهان و مهاجرت علما در دفعهٔ ثانی به قم و تحصن مردم و تاجر در سفارت انگلیس سرانجام دولت قاجاری را مجبور به صدور فرمان مشروطیت کرد و با صدور فرمان مشروطیت تاریخ مملکت ما به دو فصل متمایز و به کلی از یکدیگر جدا تقسیم شد .

روز چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ ، مظفرالدین شاه که ذاتاً مردی سلیم النفس و رؤوف بود و به علت ضعف مزاج بی میل نبود که نیمی از مسئولیت خود را در امور مردم به خود آنان واگذار کند ، فرمان مشروطیت را صادر کرد :

rouzaneha.org

متن فرمان مشروطیت

« جناب اشرف صدراعظم از آنجا که حضرت باری تعالی جل شأنه سررشتهٔ ترقی و سعادت ممالک محروسهٔ ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبهٔ اهالی و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهذا در این موقع که ارادهٔ همایون ما بر آن تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبهٔ اهالی ایران و تشیید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه به مرور در دوائر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود ، چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین

شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافت طهران تشکیل و تنظیم شود که درمهم امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را به عمل آورده و به هیئت وزرای دولتخواه ما، در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد، اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحت هماپونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود . بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک ، نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که به صحت ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای ملی مرقوم که نگاهبان عدل ماست افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر می‌داریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایند تا قاطبه اهالی در نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کما یتبغی مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگوئی دوام این دولت و این نعمت بی زوال باشند . در قصر صاحبقرانیه به تاریخ چهاردهم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هجری، در سال یازدهم سلطنت ما.»

این فرمان که به طور صریح دستور ایجاد و تشکیل مجلس شورای ملی را از منتخبین ملت می‌داد در آزادبخواهان بی اثر ماند و آن را کافی برای مقصود ندانستند. چه یا نمی توانستند باور کنند که بدین زودی بی آنکه جنگی درگیرد و انقلابی برپا شود آزادی را به آنان بخشیده اند یا اطمینان به اجرای آن نداشتند . حق هم اینست که آزادی بی زحمت به دست ایرانیان افتاد .

باری متحصنین قم، که در رأس آنان دوسید بزرگوار آقا سید محمد طباطبائی و آقا سید عبدالله بهبهانی بودند، و متحصنین سفارت انگلیس دستخط مشروطیت را

کافی ندانستند و مظفرالدین شاه مجبوراً در تصریح و تأکید فرمان ۱۴ جمادی الثانیه دستخط زیر را صادر کرد .

جناب اشرف صدر اعظم

در تکمیل دستخط سابق خود مان، مورخه ۱۴ جمادی ۱۲۲۴، که امر و فرمان صریحاً در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم، مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله ما واقف باشند، امر و مقرر می‌داریم که مجلس مزبور را به شرح دستخط سابق صریحاً دائر نموده بعد از انتخاب اجزاء مجلس، فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین به صورتی که شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب نمایند که به شرف عرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظامنامه مزبور این مقصود مقدس صورت و انجام پذیرد»

این بار دیگر همه باور کردند که مملکت مشروطه شده است. هیتی به ریاست رئیس دولت میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی، که پس از عزل عین‌الدوله به جای او منصوب شده بود، دستخط شاهانه را به قم برده حضرات حجج اسلام را از نیات خیر خواهانه ملوکانه اطلاع دادند و حضرات متحصنین نیز، پس از شکر-گزاری از نیات شاهانه، به طهران آمدند و به ورود آنان متحصنین سفارت نیز از تحصن خارج شدند.

روز شنبه ۲۷ جمادی الثانیه، مقارن عصر، جشن افتتاح مجلس موقت در عمارت گلستان برپا شد و علیرضاخان عضدالملک ایلخانی قاجار از طرف شاه پذیرائی می‌کرد و معاریف مردم طهران از شاهزادگان و علما و طلاب و معتمدین و ملاکین در این جشن حضور یافتند. در این جلسه افتتاحیه، صدراعظم نطقی کرد بدین عبارت: « آقایان عظام، البته هر کدام از ماها که در این محل شرف حضور داریم

مختصراً می‌دانیم که مقصود از تشکیل این مجلس محترم و اجتماع آقایان علما و وزرا و اعیان و تجار و اصناف در این محل چیست. ولی محض این که نیت پاک و مقدس بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه به طور شایسته مکشوف و معلوم باشد لزوماً به استحضار خاطر محترم آقایان عظام می‌رسانم که چنانچه البته خاطر شریف همگی مسبوق است بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه مصمم شدند که ابواب نیک و بختی و سعادت بر روی قاطبه اهالی ممالک محروسه ایران باز شود و اصلاحات لازمه که باعث مزید استحکام مبانی دولت و خوشبختی ملت است به مرور به موقع اجرا گذارده شود. چون این خیال شاهانه، بدون همدستی و معاونت قاطبه اهالی ایران، به آن طوری که منظور معدلت اثر بندگان همایونی است انجام پذیر نمی‌شد، رأی مبارک همایون شاهنشاه معظم بدان تعلق گرفت که مجلس شورای ملی از منتخبین طبقات معینه، به طوری که تفصیل آن در دستخط مبارک در تاریخ ۱۴ جمادی الآخر مشروح است، در دار الخلافه طهران تشکیل و منظم شود. از آنجا که ترتیب قوانین انتخابات و سایر فصول نظامنامه این مجلس شورای ملی باید با کمال دقت موافق دستخط مبارک فوق‌الذکر ترتیب شود و البته چنانکه می‌دانید اتمام این کار مستلزم وقت و فرصت معینی است لهذا برای این که اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی دلیلی واضح و حجتی کافی در تصمیم رأی مبارک خودشان برای تشکیل و ترتیب مجلس شورای ملی به قاطبه اهالی ایران داده باشند چنین مقرر فرمودند که عجله؟ محل موقتی این مجلس محترم تعیین و در آنجا با حضور آقایان علما و وزراء و اعیان و اشراف و تجار و اصناف صرف شیرینی و شربت شود.

rouzaneha.org

بدیهی است که اولیای دولت اهتمام بلیغ خواهند نمود که لایحه قواعد انتخابات و نظامنامه مجلس شورای ملی به زودی موافق دستخط همایونی از چهاردهم جمادی - الثانی ترتیب و اعضای مجلس ملی در طهران جمع و به افتتاح این مجلس محترم

مبادرت شود .

از خداوند خواهانیم که سایه بلند پایه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه را بر سر قاطبه اهالی ایران مستدام و فرزندان وطن مقدس را توفیق بدهد تا با اولیای دولت برای افتتاح ابواب نیکیبختی بر روی ایرانیان بکوشند و این دولت و ملت قدیمه پنج هزار ساله ایران را به اوج سعادت برسانند .

پس از نطق صدر اعظم ، حاج میرزا نصرالله ملك المتكلمین از طرف ملت و مردم خطابه ای ایراد نمود و پس از پایان خطبه و شادی مردم و زنده باد کشیدن ، قرار شد در همان عمارت که به اطاق نظام معروف بود موقتاً جلسات خود را ادامه دهند . این مجلس موقتی بالاخره نظامنامه انتخابات را در دو فصل شامل سی و دو ماده نوشته در تاریخ نوزدهم رجب ۱۳۲۴ به صحفه مظفرالدین شاه رسانید . این نظامنامه انتخابات غیر از نظامنامه ایست که فعلاً مجری است . بلکه يك بار به توسط همین مجلس اول به صورت انتخابات دو درجه ای درآمد و این طرح نیز بر طبق قانون انتخاباتی که در سال ۱۳۲۷ ه. ق نوشته شده تغییر یافته است .

آنچه در این قانون بیش از همه جلب توجه می کند نکات ذیل است :

در ماده اول قید شده که انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند : شاهزادگان و قاجاریه ، علما و طلاب ، اعیان و اشراف ، تجار و ملاکین ، فلاحین و اصناف . [rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

بدین ترتیب دیده می شود که حق رأی کاملاً عمومی نبود و افرادی که خارج از این رده بندی هستند حق انتخاب نداشته اند . حتی در مورد اصناف در قسمت شش از ماده دوم می نویسد :

اصناف آنها ( انتخاب کنندگان ) باید از اهل صنف و کار معین صنفی داشته باشند و دارای دکانی باشند که کرایه آن دکان مطابق کرایه های حد وسط محلی باشد . در قسمت سن رأی دهندگان هم ، طبق قسمت چهارم ماده دوم ، بیست و پنج سال

معین شده . همچنین به موجب همین ماده قانون، ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد .

ماده ششم این نظامنامه چنین بود :

عده انتخاب شوندگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلاد است و ازهر ایالتی شش یا دوازده نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شوند. مگر طهران که عده انتخاب شوندگان آن به موجب تفصیل ذیل است :

شاهزادگان و قاجاریه چهار نفر .

علماء و طلاب چهار نفر .

ملاکین و فلاحین ده نفر .

تجار ده نفر

اصناف ازهر صنفی یک نفر .

که جمعاً و کلای طهران ۳۲ نفر می باشند . ولی در عمل، و کلای طهران در حدود شصت و چهار نفر بودند. ضمناً صورتی از تعداد و کلای سایر نقاط در جزو این ماده قید شده که شرحش لازم نیست .

[rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

ماده هشتم نظامنامه تصریح می کرد که عده انتخاب شدگان برای مجلس پیش از دوپست نفر نباید باشد و در ولایات هر شهر و نقطه ای باید نماینده ای تعیین کنند و به «کرسی ایالت» بفرستند. عده منتخبین در «کرسی ایالت»، تعداد و کلای را که طبق قانون برای آن ایالت معین شده از میان خود انتخاب کنند. یعنی در حقیقت انتخاب ولایات دو درجه ای بود .

ماده دیگری که امروزه خیلی عجیب به نظر می رسد ماده دوازدهم آن نظامنامه است که: «هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید و بیش از شش ماه به انتخابات جدید باقی باشد اعضای مجلس به جای او یک نفر از اهل ایالت خودش انتخاب خواهند کرد.»



ماده بیست و سوم این قانون مصونیت تام و تمام و کلا را در تحریر و تقریر در مصالح دولت و ملت تأیید و تثبیت می‌کند و در صورتی که لزوم تعقیب و کیلی پیش آید، فقط «با اجازه مجلس» این اشخاص را قابل تعقیب در مراجع قضائی می‌داند.

ماده سی و دوم چنین است: «انتخاب شدگان طهران يك نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و چهار نفر منشی از میان خود انتخاب می‌نمایند و در تحت ریاست عالیۀ اعلیحضرت اقدس شهرباری خلدالله ملکه مجلس افتتاح خواهد شد.»

وضع این ماده که صریحاً حضور نمایندگان طهران را برای افتتاح مجلس و شروع کار کافی بلکه قطعی می‌شمارد بیشتر از روی این ملاحظه بود که حکام ولایات عموماً یاروی استبداد شخصی یا بر اثر تلقین دربار قاجاری و مستبدین مانع از انجام انتخابات و اعزام و کلا می‌شدند و ممکن بود که اگر رسیدن و کلا ولایات شرط افتتاح باشد کار به تعویق افتد. این احتیاط کاملاً بجا بود و جریان کارها ثابت کرد که این پیش بینی صددرصد درست بود.

[rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

شاه نظامنامه انتخابات را صبحه گذارده دولت مشغول تهیه مقدمات انتخابات شد. ولی طبقه شاهزادگان که از طرفی با گسترده شدن بساط مشروطه که نتیجه‌اش محدود شدن اختیارات شاه و خود ایشان بود موافق نبودند و از سوی دیگر از شاه حساب می‌بردند و می‌ترسیدند که مبادا مورد بی‌مهری و غضب شاه واقع بشوند، از شرکت در انتخابات و گرفتن تعرفه خودداری کردند. میرزا نصرالله خان صدراعظم جریان را به شاه اطلاع داد. مظفرالدین شاه آنان را احضار کرده نطقی برای آنان ایراد نمود که از لحاظ اشتغال بر بعضی نکات تاریخی، به خصوص از لحاظ نشان دادن سطح فکر و مسالمت جوئی و سلامت نفس آن پادشاه، بسیار مهم است نطق مظفرالدین شاه که در روز ۲۸ شعبان خطاب به شاهزادگان ادا شد این است «ما نیکو می‌دانیم علت عدم دخالت شما تاکنون در امور راجع به شورای

ملی از القای شبهه‌کسانی است که از نیت مقدسه ما بیخبرند و شما هم نظر به شاه-پرستی الغاء شبهات آنان را قبول نموده خود را شریک و سهیم شرف ملی نکرده‌اید پس لازم است حضوراً به شما عقاید مقدسه خودمان را حالی نمائیم .

« زمانی که من ولیعهد این دولت بودم، از ظلم و جور حکام و مأمورین دیوان نسبت به رعایا و هرج و مرج امور داخله و خارجه مملکت همواره در فکر و اندیشه بودم که راهی برای رفع خرابیها به دست آورده در موقع اجرا گذارم . چون به طریق کلی، ممنوع از دخالت در امور بودم ، چاره‌ای به دست نیاوردم. تا به حکم تقدیر ، زمام امور مملکت به دست ما افتاد . بعد از ورود به طهران کراراً مقاصد مقدسه خودمان را به امین‌السلطان فرمودیم . بعد از تصدیق ، مواعظ و معاذیر چند بیان نموده که معلوم شد باطناً با مقاصد ما همراهی ندارد .

از آنجائی که می دانستم میرزا علی‌خان امین‌الدوله همواره با خیالات مکتونه ما همراهی داشته صدارت را به او تفویض نمودیم و از نیت مقدسه خودمان او را کاملاً مسبوق و مستحضر ساختیم . حق اینست که به علو خیالمان می افزود و با جدی کافی در اجرای مقاصد عالیّه ما حاضر گردید .

[rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

ولی مواعظی چند بیان نمود که سد پیشرفت مقاصد ما بود. برای برداشتن مواعظ دستوری به او دادیم . چون مقدرات خداوندی با میل ما مطابقت نکرد ، مجدداً صدارت را به امین‌السلطان واگذار کردیم و به فرنگستان سفر کردیم . در فرنگستان همواره با امین‌السلطان برای اجرای نیت خود مذاکره و مشاوره نمودیم جداً قول داد که حین ورود به ایران در مقدمات کار اقدام نماید .

ورود به طهران باز محرك او شدیم تا مجلس مشاوره را وسعت داده ملاحظه کردیم که احدی فعلاً با خیالات ما همراهی ندارد و در جلو مقاصد عالیّه ما سدهای آهنین بسته شده . دانستیم که هنوز مشیت الهی به اجرای مقاصد ما تعلق نگرفته . باز در سفر دوم فرنگ، مکان و مقام را خالی از اغیار و اضداد دیدیم به تکرار مافی الضمیر

خودمان به امین السلطان پرداخته و در این دفعه چنان مرا اطمینان داد که به مجرد ورود به طهران به مقدمات کار خواهد پرداخت .

بعد از ورود، باز موانع را در جلو آورد. خواستم شخصاً به عملیات مقاصد خویش اقدام نمایم. به جهاتی صلاح ندیدم. اصرار به امین السلطان کردیم. باز اقامه موانع نمود. چون اصرار ما را ملاحظه کرد راضی گردید دیوانخانه منظمی به مثل دیوانخانه های ممالک متمدنه آزاد بر قرار دارد. ولی آن هم صورت خارجی پیدا نکرد. عاقبت زمام امور مملکت را به عین الدوله مرحمت فرمودیم و از نیات مقدسه خودمان او را مستحضر کردیم. خوب خیالات مقدسه ما را استقبال کرد. ولی او هم به ذکر موانع مشغول گردید. اول شرط این عمل را اصلاح مالیه دولت دانسته اوقات خود را به اصلاح آن مصروف نمود و در مقدمات عمل مصادف گردید. با موانع پیچ در پیچ که تولیدش به واسطه اهمال در خود عمل بود. تا در این اوان که امور مملکتی را به شخص تربیت شده خودمان میرزا نصرالله خان مشیرالدوله سپردیم و اصلاح و اجرای مقاصد خیریه همایون خودمان را سریعاً خواستیم. مشیرالدوله هم، به ملاحظه شرف سلطنت و صرفه ملت با کمال متانت و عجله، به مقاصد عالیه ما پرداخت. همگی موانع را به حسن تدبیر اصلاح کرد و خاطر ما را از هر جهت آسوده گردانید.

[rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

پس همه بدانید که ما به صرافت طبع این آزادی مشروع و مجلس شورای ملی را به ملت شاه پرست خود عنایت فرمودیم و ریاست این مجلس را با نهایت شوق خودمان قبول کرده ایم و این مجلس محترم مجلس خود ماست. هر کس ضدیت با این مجلس نماید به شخص ما ضدیت کرده. اگر رضایت مسارا منظور دارید خیلی زود منتخبین خود را معین نمائید که به خواست خداوندی مقدمات انتخاب تا روز دهم به خوبی انجام داده شود و از روز یازدهم شروع به تعیین و کلا نموده و محض میمنت و مبارکی روز پانزدهم همین ماه (شعبان ۱۳۲۳) که یوم مولود

مسعود حضرت حجة الله فی الارضین است برای افتتاح، خودمان به مجلس حاضر و آن روز میمون را تاریخ افتتاح مجلس شورای ملی قرار خواهیم داد.»  
 پس از ایراد این نطق، شاه صدر اعظم را مخاطب قرار داده گفت اعلانی منتشر کنید که اگر هر طبقه تا روز دهم منتخبین خود را انتخاب نکرد، از حق انتخاب محروم است. روی همین امر شاهانه، اعلانی به این عبارات منتشر شد:

« چون موافق نظامنامه انتخابات، امرا و اشراف و ملاکین باید نمایندگان خود را برای مجلس شورای ملی معین نمایند، لهذا با کمال احترام و توقیر خواهش می شود از اعیان و خوانین و اهل قلم و اطباء و ملاکین و صاحبان مستغلات شهری به حدودی که در نظامنامه مقرر است و طبقات نوکر، سوای اهل نظام، هر گاه در جزو شاهزادگان عظام و علماء اعلام و قاجاریه و طلاب و خوانین و اصناف، انتخاب نکرده اند، روز شنبه هفدهم شعبان از یک ساعت بعد از ظهر الی یک ساعت به غروب مانده، به عنوان ملاک در مجلس انتخابات ملی حاضر شده شش نفر نمایندگان ملاکین را در شش قرعه انتخاب نمایند. محض سهولت توضیح می شود که آقایان معزی الیهم شش نفر نمایندگان خود، هر کس را می خواهند نمایند ایشان باشد، از پیش در نظر بگیرند که در وقت انتخاب معطل و مردد نباشند. صاحبان مستغلات در صورتی که مستغلات ایشان از هزار تومان کمتر نباشد در حکم ملاکین هستند. هر یک از آقایان معزی الیهم که حاضر نشدند، به موجب این اعلان، حق انتخاب ایشان در این نوبت ساقط خواهد شد.»

[rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

انتخابات طهران چند روزی معطل شد و حاکم طهران نیرالدوله نمی توانست آنرا اجرا کند. حاج مهدیقلی خان مخبر السلطنه هدایت انجام آن مهم را بر عهده گرفت. اینست عین عبارت وی در این موضوع:

« نظامنامه انتخابات را دادند به حکومت ( نیرالدوله ) که هفته ای گذشت خبری نشد. مشیرالملک ( بعدها میرزا حسن خان مشیرالدوله شد ) گفت حکومت

نظامنامه را نمی‌فهمد. گفتم چه خواهید کرد. گفت می‌خواهیم حاشیه بنویسیم. گفتم اگر حاشیه را نفهمید چه می‌کنید؟ ماند معطل. گفتم: «من حاشیه». کناری می‌نشینم. توضیحات می‌دهم. خازن‌الملک معاون حکومت يك روز آمد و دیگر حاضر نشد. انتخابات را من انجام دادم و روز ۱۵ شعبان ۲۴ وکلای تهران در سلام حاضر شدند.<sup>۱</sup> برن می‌دانستم مظفرالدین‌شاه قاجار قلباً مایسل است، شیرینی افتتاح مجلس نیز افتخار کیسه من شد. سی تومان هم بیشتر نبود. سعی من از آن رو بود که شاه علیل بود و فی‌التأخیر آفات<sup>۲</sup>. «همچنان که مخبرالسلطنه نوشته است روز افتتاح مجلس، بر حسب دعوت قبلی صدر اعظم، سه ساعت به غروب مانده علما و امراء و درباریان و هیئت سیاسی خارجی و شاهزادگان با لباس رسمی در عمارت گلستان حضور یافتند و مظفرالدین‌شاه، با حال ضعف و بیماری، در حالیکه زیر بازوی او را گرفته بودند، برای افتتاح مجلس وارد اطاق شده و او را بر صندلی نشانندند. شاه بیمار بی‌نهایت از این که آرزوی قلبی خود را در حال حیات در لباس عمل می‌دید متأثر شده باشوق و تأثر شدید ابتدا گفت سالها در آرزوی نتیجه چنین روزی بودم و خدا را شکر که به آرزوی خود رسیدم.

سپس در میان تأثر عمیق و حالت گریه و رقت طبع، خطابه افتتاحیه را قرائت نمود. این است نطق افتتاحیه:

rouzaneha.org

«منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بعون‌الله تعالی از قوه به عمل آمد و به انجام آن مقصود مهم به عنایات الهیه موفق شدیم. زهی روز مبارک و میمونی که روز افتتاح مجلس شورای ملی است. مجلسی که رشته‌های امور دولتی و مملکتی را به هم مربوط و متصل می‌دارد و علایق مابین دولت و ملت را متین و محکم می‌سازد،

۱- در مجموعه مذاکرات مجلس اول یکشنبه ۱۸ نوشته است

۲- از رساله کوچک «برمن چه گذشت» تألیف مخبرالسلطنه هدایت.

مجلسی که مظهر افکار عامه و اجتیاجات اهالی مملکت است . مجلسی که نگهبان عدل و داد شخص همایون ماست ، درحفظ ودایعی که ذات واجب الوجود به کف کفایت ما سپرده، امروز روزی است که بر و داد و اتحاد ما بین دولت و ملت افزوده می شود، اساس دولت و ملت برشالوده محکم گذارده می شود . امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دولت خواه دولت و امناء و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت در اجرای قوانین شرع انور و ترتیب و تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی وطن ما بکوشند و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و منافع اهالی و مملکت و البته می دانید که نیست اساس مقدسی که به ملاحظات شخصی مشوب و مختل نشود و با اغراض نفسانی فاسد نگردد . حال برانتخاب شدگان است که تکالیف خود را چنانچه منظور نظر دولت و ملت است انجام بدهند. بدیهی است که هیچ کدام از شماها منتخبین انتخاب نشدید مگر به واسطه تفوق و رجحانی که از حیث اخلاق و معلومات بر اغلب از مردم داشته اید و خود این نکته باعث اطمینان و قوت قلب ماست. و رجاء و ائق داریم که با کمال دانش و بی غرضی در این جاده مقدس قدم خواهید زد و تکالیف خود را با کمال صداقت و درستی انجام خواهید داد . ولی با وجود این، چون قاطبه اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم و نیک و بد آنها را نیک و بد خودمان می دانیم و درخشنودی و مسرت و غم الم آنها سهم و شریکیم، باز لازم است خاطر شما را به این نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شماها فقط عاید به خودتان بود و بس . ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شماها را انتخاب کرده اند

و منتظرند که شماها با خلوص نیت و پاکی عقیدت به دولت و ملت خود خدمت نمائید و از اموری که باعث فساد است احتراز نمائید . پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول و در نزد ما شرمنده و خجل نباشید . این بند و نصیحت ما را هیچوقت فراموش نکنید و آنی از مسئولیت بزرگی که بر عهده گرفته اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ماهاست و حافظ حق و حقانیت ! دست خدا همراه شما. بروید و مسئولیتی را که بر عهده گرفته اید با صداقت و درستی انجام بدهید و به فضل قادر متعال و توجه ما مستظهر و امیدوار باشید .

rouzaneha.org

هیجدهم شعبان المعظم ۱۳۲۴ «

بلافاصله پس از نطق شاه، نمایندگان طهران بدون آنکه منتظر ورود همکاران خود از نقاط دیگر مملکت شوند به کار پرداختند و بدیهی است که اولین کار تعیین هیئت رئیسه و قرار نظامنامه داخلی بود .

در جلسه فردای روز افتتاح ، هیئت رئیسه مجلس معین شد و مرتضی قلی خان (هدایت) صنیع الدوله به ریاست مجلس انتخاب شد و میرزا حسن خان و ثوق الدوله به سمت نایب رئیس اول و حاج محمد حسین امین الضرب به عنوان نایب رئیس دوم و سید محمد تقی هراتی ( وکیل صنف تفنگساز و قفل ساز و نعلبند و مسگر) و حاج سید نصرالله تقوی ( وکیل طلاب) و دبیر السلطان ( وکیل اعیان) و میرزا اسماعیل خان عون الدوله ( وکیل اعیان ) به سمت اعضای کابینه مجلس معین شدند . چند روز برای تنظیم مواد نظامنامه داخلی گذشت و روز ۵شنبه ۲۹ شعبان نظامنامه داخلی مجلس در سی و دوماده قرائت و به اکثریت تصویب شد .

در همین جلسه، در جواب نمایندگان از شاه، به توسط صدراعظم در باب تعیین محلی برای مجلس شورای ملی ، دستخط شاه به مشیرالدوله قرائت شد که «عمارت بهارستان را عجاله به مجلس شورای ملی اختصاص دهند تا بعد برای مجلس جای

اساسی تهیه گردد.» و چنانکه همه می‌دانند آن «عجالة» هنوز هم بعد از گذشتن سالهای متمادی به قوت خود برقرار است!

اما برای اطلاع کامل از وضع داخلی مجلس بهتر از هر چیز شرح جامع و دقیقی است که تقی‌زاده در یادداشت‌های خود نوشته : [rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

«مجلس در اطاق بزرگ یعنی تالار بهارستان که حالا اطاق انتظار مجلس فعلی است منعقد می‌شد. و کلاء چهار صف مربع روی زمین می‌نشستند. ضلع بالائی که ضلع جنوب غربی باشد، علما و بعضی و کلاهی معمم و با نفوذ می‌نشستند و ضلع دیگر طرف راهرو و در ورود تا سه چهار ذرع به آخر اطاق مانده رئیس و هیئت رئیسه و بعضی دیگر از و کلاء و ضلع مقابل (جلو پنجره) و کلاهی دیگر و غالب و کلاهی تجار باز تا سه چهار ذرع مانده به آخر تالار و ضلع پائین که درمیانه تالار بود و تکیه به دیوار نداشت غالباً و کلاهی اصناف می‌نشستند و پشت این صف پنج شش صف تادیوار پائین تماشاچیان دو زانو روی زمین می‌نشستند. معلوم است که اغلب کفش را در دم در ورود بیرونی می‌کنند. خادم داخلی مجلس که «ناظم» می‌گفتند آقا سید محمود نامی بود که از آن وقت تا سال ۱۳۱۸ در همان شغل ثابت بود و در این سال مزبور وفات یافت ...

عده و کلا بر ۱۶۲ نفر مقرر شده بود که قریب ۶۰ نفر آن از شهر طهران بود ارامنه و یهود هر کدام حق یک و کیل در مجلس داشتند که در مجلس اول از حق خود استفاده نکرده و وکالت خود را به آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمد طباطبائی از علمای طهران دادند. ولی زردشتیان که حق یک و کیل داشتند ارباب جمشید تاجر زردشتی را به وکالت انتخاب کردند. «چنانکه تقی‌زاده نوشته اقلیت‌های ارامنه و یهود حق خود را به دو نفر از علمای مسلمان واگذار کردند و این مطلب نشانه کمال سلامت نفس و بی‌نظری و وسعت مشرب و سعة صدر آن دو بزرگوار بود که تا این اندازه در میان مردم، حتی در میان کسانی غیر از مسلمین، محبوبیت کامل



داشته و به این درجه مورد اطمینان بوده اند . رحمة الله علیهما رحمة واسعة .  
از تقی زاده در یادداشت‌های خود جزئیاتی از مجلس اول را بیان کرده که  
نقل می شود :

« هفته ای سه یا چهار جلسه منعقد می شد . عصرها تقریباً چهار ساعت بعد از  
ظهر و تا یک دو ساعت بعد از غروب آفتاب طول می کشید . بیشتر اشخاصی که نطق  
می کردند علما و مخصوصاً آقا سید عبدالله و آقا سید محمد بودند و سعدالدوله و  
حاج محمد اسماعیل مغازه و حاج سید نصرالله اخوی و شاهزاده اسدالله میرزا (که  
بعدها شهاب الدوله شد) و میرزا محمود کتابفروش و حاج معین التجار بوشهری و  
ومخبرالملک و صدیق حضرت و حسنعلی خان (که بعدها نصرالملک شد) و شیخ حسین  
سقط فروش و خود رئیس مجلس و آقا سید حسین بر و جردی مدیرالاسلام و وثوق -  
الدوله و ملاحسن وارث و بعدها که وکلای ولایات رسیدند، مستشار الدوله و آقا -  
میرزا فضلعلی آقا و حاج میرزا یحیی معروف به امام جمعه خوئی و حسام الاسلام  
رشتی و وکیل التجار بزدی و کیل گیلان و آقا شیخ ابراهیم زنجانی و میرزا محمود  
اصفهانى (وکیل طهران) و آقا سید محمد تقی هراتی (وکیل طهران و منشی مجلس)  
و محقق الدوله (وکیل طهران) و حاج شیخ علی نوری (وکیل طهران) . البته بعضی  
وکلای دیگر هم حرف می زدند و بعضی دیگر خیلی کم حرف بودند و بعضی هیچ  
حرف نمی زدند . بعدها که احتشام السلطنه به مجلس آمد ، او هم خیلی نطق می کرد  
و همچنین میرزا آقای اصفهانی .»  
rouzaneha.org

ترتیب نطق این بود که هر کس در هر جا نشسته بود صحبت می کرد و غالباً چند  
نفر بایکدیگر در امری وارد مکالمه می شدند و بیان هیچیک مفهوم نمی شد . این امر  
موجب نگرانی شد . در جلسه ۴ ذی الحجه ، سید محمد تقی هراتی در ضمن لایحه ای  
که قرائت کرد از این طرز رفتار مجلس انتقاد کرد و تلویحاً پیشنهاد کرد که ناطقین در  
جای معینی رفته ایراد نطق نمایند . این مطلب اکنون به نظر خیلی ساده می آید ، ولی باید

دانست که در آن هنگام این پیشنهاد ساده ناچیز موجب بحث عظیمی شد و حاج شیخ-علی نوری سخت با این ترتیب مخالفت کرد. وقتی که میرزا ابوالحسن خان بانکی گفت: چه عیب دارد؟ شما که حال مطلبی دارید می‌خواهید عنوان کنید، خوب است قالیچه بیاورید بروید روی آن عنوان نمائید. اول شما (اشاره به سید محمد تقی هراتی) این کار را بکنید تا دیگران تاسی نمایند. سایر و کسلا گفتند خوب است بیاورید. ولی شیخ علی نوری گفت: «به همین قدر تمام شد که باید قالیچه بیاورند بروند روی آن نطق کنند. ما که حاضر نیستیم، شما حاضرید باشید، کی گفته باید محل نطق جای معینی باشد؟ همین طور که نشسته‌ایم صحبت می‌کنیم. چه عیب دارد. هر آئی نمی‌شود برخاست و رفت آنجا و دو کلمه حرف زد. می‌خواهید برای نوشتن (تند نویسی) حرف‌ها را به ترتیب بزنید و درهم نکنید.»

بحث طولانی شد. هر کس هر چه می‌گفت آقا شیخ علی نوری مخالفت می‌کرد. حتی وقتی تقی زاده گفت: «امروز ما باید تقلید و تسلیم محض باشیم در امور دنیویه. جهت اینکه تمام این امور را به تجربه زیاد سالیان دراز است اصلاح کرده‌اند (غرض ملل دیگری بوده که آنها ترتیب پارلمانی داشته‌اند).

ترتیب صندلی و تعیین محل نطق نه برای این است که چون آنها کرده‌اند ما اگر بکنیم تقلید است. این برای این است که اصلاح غیر از این راه دیگری ندارد.» حاج شیخ علی گفت: اما این که گفتید باید تقلید کرد، تقلید عقل و شرع را باید کرد...  
rouzaneha.org

و بر اثر مخالفت حاج شیخ علی این قضیه عملی نشد مگر ۱۹ روز بعد یعنی روز ۲۳ ذی‌الحجه که قالیچه‌ای آورده در مکان مخصوصی انداختند که من بعد مکان ناطق معین باشد و اولین بار، آقا سید محمد تقی هراتی منشی مجلس در روی قالیچه ایستاده لایحه خود را در خصوص وظیفه تماشاچیان و الزام آنان به حفظ احترام مجلس و مجلسیان قرائت کرد.

قبل از این تفصیلات ، تماشاچیان در صحبت نمایندگان دخالت می کردند و اظهارات آنان را قطع می نمودند . حتی یکبار سعدالدوله ، به جای آنکه به منشی مجلس رجوع کند یا خود بخواند ، ف مانی از جیب در آورده به مجدالاسلام کرمانی از تماشاچیان داد که بخواند و هرچه صنیع الدوله اصرار کرد که نامه را به منشی مجلس بدهید راضی نشد !

[rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

مجلس اول به تدریج صورت پارلمان صحیح و درستی به خود گرفت و مذاکرات که ابتدا کودکانه بود کم کم جدی شد و وکلایی که درمورد نان و گوشت طهران یاد در خصوص تعیین محل نطق اشکال می کردند بزرگترین خدمات را به ایران انجام داده بالغو تیول ، تعدیل بودجه ، ممانعت از قروض خارجی و وضع قوانین مفید طلسم عجیبی را که ایرانی چند هزار سال بدان گرفتار بود شکستند و دریچه ای از امید ، امید به آتیۀ درخشان ، به روی مردم گشودند .

## مجلس اول نخستین بودجه سالیانه کشور را چگونه تصویب کرد

rouzaneha.org

مجلس اول با تمام نقائص و بی تجربگی‌هایی که داشت در مسدتی کوتاه و پر حادثه به خدماتی بزرگ موفق شد و توانست در راه رسیدن به دموکراسی حقیقی و اساس حکومت ملی قدمهای مهمی بردارد. با این که آشنایان به تاریخ مشروعه می‌دانند که هر روز مجلس تجت تهدید و اعمال نفوذ شاه مستبد قاجار و دربار متعرض و متجاوز آن پادشاه بود. صرف نظر از این که عده‌ای از روحانیون که کم و بیش به دربار قاجار بستگی داشتند کار را بر مجلس مشکل کرده هر روز به عنوان « حفظ اصول شرع و مشروعه» مزاحم نمایندگان مجلس می‌شدند.

با اینکه از خدمات مهم مجلس اول می‌توان تهیه قانون اساسی و اقدام به ایجاد بانک ملی و جلوگیری از قرض جدید خارجی و نظائر آنها را شمرد، ولی به عقیده ما اصلاح وضع مالیه مملکت و اولین قرار برای تهیه بودجه مملکتی و توازن بین دخل و خرج کشور مهمترین خدمات نمایندگان دوره اول است و در طی سطور بعد خوانندگان خواهند دانست که این امر تا چه اندازه مشکل بوده و چگونه مجلس اول با وجود مخالفت کلیه وجوه و رؤسا و زمامداران مملکت موفق به تهیه بودجه صحیح و توازن مالی مملکتی شده‌اند.

این فداکاری و جسارت نتیجه حسن نیت و صفای باطن و اراده وطن پرستانه

مردانی بود که از پس دکان یا از حجره‌های درس مدارس قدیمه مانند مدرسه دارالشفاء و صدر ب قصد خدمتگزاری پا به بهارستان نهاده بودند و در برابر خدمت به وطن و ممنوعان خود از بذل مال و جان دریغ نداشتند و سرانجام نیز تنی چند از آنان جان خود را در این راه فدا کردند. رحمة الله علیهم رحمة واسعة .

مجلس اول برای اصلاح بودجه چهار موضوع را در نظر گرفت بدین

ترتیب :

۱- لغو تسعیر

۲- تفاوت عمل جزء اصل مالیات باشد

۳- لغو تیول

rouzaneha.org

۴- حذف مخارج بیهوده

۱- لغو تسعیر : از دیر بساز قرار مالیات هر نقطه‌ای از کشور این طور بود که یا مبلغی نقد یا گندم و جو و به اصطلاح جنس می‌دادند و در صورت دوم قیمت آن را می‌پرداختند. ولی این قیمت که به مرور زمان بر اثر اوضاع اقتصادی تغییر کرده بود، در هنگام تسعیر غله تغییر نمی‌کرد. بدین ترتیب که همان طور که از ابتدای رسم مالیات جنسی قیمت يك خروار گندم را ۵ قران معین کرده بودند، هر چند که بعدها این مبلغ ترقی کرده بود، باز مؤدیان مالیات غله را به همان ۵ قران تسعیر کرده قیمتش را به عنوان مالیات می‌پرداختند. این مطلب کاملاً به نفع مالکین بود. مجلس این ترتیب را لغو کرد و تسعیر غله را از میان برد و قرار شد که عین جنس پرداخته شود.

۲- تفاوت عمل جزء اصل مالیات باشد، میزان مالیات بندی که بسیار قدیمی بود، با کلیه تغییراتی که در ملک و آبادی روی داده بود، ثابت مانده بود و هر چند که تفاوت مبلغ را حکام والا احتشام می‌گرفتند و رعیت بیچاره به زور چوب و فلک می‌پرداخت، ولی به صندوق دولت چیزی وارد نمی‌شد. البته حساب این تفاوت‌ها را مستوفیان و فرد نویسندگان داشتند. اما به دولت چیزی نمی‌دادند. بنا به تقاضای ناصر الملك

که در آن تاریخ وزیر مالیه بود حکم شد که کلیه مستوفیان کتابچه‌های خود را فرستاده تفاوت عمل را هم منظور دارند .

rouzaneha.org

وقتی که کلیه کتابچه‌ها رسید، معلوم شد تنها مشیرالممالک یزدی کلیه حساب خود را با تفاوت تفریغ کرده و بقیه کم و بیش به دولت بده کارند . تصادفاً این شخص هم از کسانی بود که مردم یزد بارها از ظلم و تعدی او شکایت کرده و مظلومانه به مجلس شرح تعدیات او را تلگراف کرده بودند .

### ۳- لغو تیول

خوانندگان کم و بیش می‌دانند که تیول چیست و چگونه این رسم از خیلای قدیم در ایران مرسوم بوده. به طور کلی تیول عبارت بود از واگذار کردن مالیات ناحیه‌ای برای خرج و معیشت شخصی که مورد نظر شاه واقع شده خواه بر اثر ابراز خدمتی یا بر اثر تقرب به شاه و یا به جهت دیگر . آن اشخاص با استفاده از تقرب خود در نظر شاه به عناوین مختلف اراضی اطراف ناحیه خود را از چنگک صاحبان اصلی به در آورده انواع جور و ظلم بر مردم روا می‌داشتند و سعی داشتند قبل آنکه موقعیت خود را از دست بدهند کیسه خود را پر کنند . عموماً این اشخاص در مدت کمی صاحب ثروت‌های هنگفتی شده و اراضی وسیع ای را در اختیار می‌گرفتند و به عبارت دیگر سلطنتی بی‌تخت و تاج در قلمروی وسیع برای خود تهیه می‌دیدند. به طوری که هر ناحیه مهم از ایران در تحت اختیار این نوع تیولداران یا ملاکین عمده بود: مثل حاجی آقامحسن عراقی در عراق (اراک فعلی) و سردار منصور و حاجی خماسی در گیلان، جهان‌شاه خان و اسعدالدوله در زنجان و عمید السلطنه در طالش ، رحیم خان چلبیانو در قراجه داغ و اقبال السلطنه در ماکو و ظل السلطان در اصفهان و قوام الملك شیرازی در فارس و متولی باشی در قم و سالار مغزز در بجنورد و محمد ولی خان سپهدار در تنکابن .

مجلس اول با این طبقه از متنفذین در افتاد . نزاعی سخت بین اساسی تازه‌پا

و نو بنیاد با بساطی کهنه وریشه‌دار در گرفت و تنها ایمان و فداکاری و کلای مجلس اول بود که توانست بر این اصول کهنه سخت و محکم فائق آید.

این افراد هر يك ثروتهای فراوان و نفوذ عجیبی داشتند. مثلاً پناه خان پدرزن اقبال السلطنه که مدت چندین سال امارت ناحیه ماکو در خانواده آنها بود، وقتی خواست پولهای نقد خود را در بانک بگذارد، بانک از پذیرفتن آن به عنوان کوچکی مؤسسه خودداری کرد و سرانجام با گرفتن ۴ هزار منات طلای روسی بانک حاضر شد پولهای این مرد را در بانک نگهداری و محافظت نماید. ظاهر آسکه، معروف به پنا با (= پناه آباد) منسوب به همین مرد است. [rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

از این جا معلوم است که در افتادن با این گونه مردمان متنفذ که به زور پول می توانستند همه نوع قدرت و حمایتی را برای خود تهیه کنند چه اندازه مشکل بود ولی مجلس اول، در این قسمت، مانند کنوانسیون فرانسه بسیار سخت بود و هر وقت که یکی از وکلا تلگراف شکایت اهالی قسمتی از ایران را می خواند، سایر وکلا باشور و هیجان عجیبی از دولت می خواستند که متجاوزین را محاکمه و تنبیه کند و اغلب هم در این موارد پس از اشکال تراشی های شاه و دولت موفق می شد. چنانچه در مورد رحیم خان و سالار مفخم کار به محاکمه و حبس و در مورد حاج آقا محسن و قوام الملک کار به تبعید و احضار کشید. قوام الملک بر اثر شکایات تلگرافی متعدد شیرازیان به طهران احضار شد. و لسی در طی اقامت در طهران به زور و زر حامیانی برای خود تهیه دید و شاه را راضی نمود و وکلای مجلس را فریفت و با تشریحاتی که از نظر وکلای جوان و تند روی مجلس پنهان بود زمینه را برای بازگشت خود آماده کرد. تا اینکه در یکی از جلسات مجلس موضوع مراجعت او پیش آمده عموم وکلا اظهار موافقت نمودند و رئیس مجلس مرحوم صنیع الدوله هم مراتب رضای محمد علی شاه را از بازگشت وی به شیراز بیان کرد و تقریباً کار تمام شده بود که بیکبار تقی زاده نماینده تبریز اجازه صحبت خواست. پس از تحصیل اجازه

حکایتی را از گلستان خواند.<sup>۱</sup>

سپس گفت اکنون شیرازیان نیز چون آن طفل کاری جز آن ندارند که به درگاه خدا پناه آورند. چه مجلس بازگشت وی را تصویب کرد و دولت هم موافق است شاه هم اجازه داده. پس پناه شیرازیان فقط به خداست. نطق تقی زاده تا آنجا مؤثر واقع شد که نمایندگان که تا چند لحظه پیش موافقت کرده بودند یکباره مخالفت کردند و حتی یکی از آنان حاج ملاحسن وارث فریاد زد «بر هر که غیر از این عقیده دارد لعنت» و صنیع الدوله با صدای ریاست مآبانة خود گفت: «دیگر لعنت چرامی کنید» کار به همین جا ختم شد و قوام الملک که هزار دوز و کلک برای مراجعت خود چیده بود ناامید شده رشته‌هایش پنبه شد. ولی پس از چندی بدون اجازه بازگشت و در شیراز به دست یکی از مجاهدین کشته شد.

به این ترتیب مجلس اول به تدریج ولی با قدمهای ثابت ریشه فرد فرد این خوانین را کنده و قدرت آنها را محدود کرد. [rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

ولی از همه قسمت‌ها مهمتر حذف مخارج بیهوده بود که قاطبةً درباریان و نزدیکان به دستگاه فساد با آن مخالفت می‌کردند. ولی آن هم به تدریج سر و صورتی گرفت. موضوع تعدیل مالیات مملکتی و دخالت و نظارت بر آن از طرف مردم و جلوگیری از تجاوز متصدیان حکومت در ایران به کلی بی‌سابقه بود. زیرا از آن‌گاه که تاریخ ایران شروع می‌شود، هیچوقت مردم در این کار دخالتی نکرده و حرفی نزده بودند. در طی قرون متوالی، مردم ایران از زارع و کارگر همیشه کار می‌کردند و نتیجه دسترنج آنان را به نام «وجوه دیوانی» و «ارتفاع ولایت» محصلین و مأمورین می‌گرفتند و به خزانه شاهان مستبد می‌ریختند و آنان هم اطرافیان را به درم و دینار خریده راضی نگه می‌داشتند و هیچکس جرأت نداشت که اعتراضی

۱- یعنی آن حکایت از باب اول گلستان که می‌گوید: یکی از ملوک را مرضی هائل

بود که اعادت ذکر آن موجه نبود ...



کند و حرفی بزند. در زمان نادر شاه این شدت به حد اعلی رسید و آن مرد تندخوی خشن چنان سخت بر مردم می گرفت و به زور آنان را وادار به دادن مالیاتهای هنگفت می کرد که به قول شیخ محمد علی حزین محصلین مالیات نادری به هر دهی که می رسیدند مردم سنگر می کردند و از خوف جان برای دفاع خود دست به سنگ و چوب می بردند. این وجوه به ناحق جمع می شده و سلطان خود کامه قسمتی را بین اطرافیان خود تقسیم کرده قسمت دیگر را صرف عیش و نوش خود می ساخته است. معروف است که می گویند هنگامی که قرضه ایران از روس را به حضور مظفر الدین شاه بردند، باعصای خود، سهم سید بحرینی را از بسته های اسکناس معین می کرد. از همین نکات معلوم می شود که مجلس اول چه مسئولیت پر خطری را به گردن گرفته بود که می خواست برای محمد علی شاه مستبد و خودخواه و درباریان نالایق زورگوی او میزان حقوقی ثابت معین کند و حقوق شاهزادگان بی عرضه و بی ثمر را محدود سازد.

البته محمد علی شاه حاضر نبود که حقوق و مخارج خود را از دست کسانی بگیرد که او نشست و برخاست با ایشان را عار می دانست و کسی که پدرش میلیونها پول را باعصا دیوانه وار تقسیم می کرد، نمی توانست منتظر تصویب بودجه از مجلس بنشیند. اما مجلس کاری به تمایلات شاد قاجار و دربارش نداشت و دلیرانه با ایمانی هر چه تمامتر پیش می رفت.

[rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

اولین اشکال در حذف مخارج زائد در همین قسمت بود. یعنی مجلس مجبور بود که حقوق گزافی را که شاهزادگان می گرفتند کم کند. مثلاً کامران میرزا ۲۹ هزار تومان و شعاع السلطنه ۱۱۵ هزار و ظل السلطان ۷۵ هزار تومان و سایر شاهزادگان هم به همین ترتیب کم و بیش می گرفتند و از همه کمتر حقوق ناصر الدین میرزا (بعدها از تبریز به وکالت انتخاب شده) بود که به هفت هزار تومان در سال می رسید. دختران شاه قاجار هم کم و بیش حقوق و مستمری داشتند. همچنین زوجات شاه شهیدریک حقوقی داشتند.

مجلس در مقابل این پولهای گزاف قرار گذاشت که حد اعلاى مواجب شاهزادگان بزرگ طبقه اولی از قبیل اعمام و اخوان سلطنت کبری به «دوازده هزار تومان و دو یست خروار جنس» معین شود .

کسانی که بیش از این دریافت می کنند حقوقشان تا دوازده هزار تومان تقلیل خواهد یافت و آنان که کمتر از این مبلغ می گیرند حقوقشان ثابت خواهد ماند . همچنین اولاد انساٹ بلا فضل پادشاه هم هر يك ۱۲۰۰ تومان دریافت دارند و حد اعلاى حقوق شخص وزراء عظام به پنج تا شش هزار تومان در سال معین شد. حقوق زوجات شاه شهید هم بالکل حذف شد. آنها هم يك روز دسته جمع به مجلس رفته متحصن شده دادخواهی کردند . ولی نمایندگان مجلس حاضر به استقرار حقوق اولیه آنها نشدند . وحتى وقتى اسدالله میرزا به عنوان دفاع گفت :

« اعانتی در حق اشخاصی که مستأصل هستند بکنید » ، ملاحسن وارث گفت : « این رعایت را خوب است شاهزادگان بزرگ مثل ظل السلطان و نایب السلطنه بکنند در حق آنها . »

مجلس مخارج محمدعلی شاه و دربار او را هم در يك کروار تومان و پنج هزار خروار غله و پنج هزار خروار گاه در سال معین کرد . [rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

شاه مستبد که از این وضع کاملا ناراضی بود، کمی مبلغ را بهانه کرد و کلیه کارکنان دربار را ، از مستخدمین و قاطرچیها و کارکنان زنبورکخانه و فراشها ، بیرون کرد و گفت که این مبلغ متعلق به شخص من است و شما حقوق خود را از مجلس بخواهید .

این کار که به منظور تهدید مجلس و ایجاد آشوب بود، اشکالی بزرگ فراهم آورد . چه این جمع که اکثر ارادل ناس بودند در مسجد شیخ عبدالحسین گرد آمده بنای ترساندن مجلس و مجلسیان را گذاردند و آشوبی سخت برپا کردند . حوادث مسجد و سخنان آنان در مجلس سخت تأثیر کرد و تقی زاده و کیل صریح تندرو نطقی ایراد

کرد به این مضمون که این پول متعلق به کلیهٔ مخارج دربار است چنانچه شاه نخواهد به کارکنان و موظفین دربار حقوق بدهد مجلس همان دوازده هزار تومان را به شاه خواهد داد و خود عهده دار پرداخت حقوق کارکنان می‌شود، اگر همهٔ مردم يك مرغ می‌خورند محمدعلی شاه دو مرغ بخورد نه بیش. [rouzaneha.org](http://rouzaneha.org) این نطق در محمد علی شاه بسیار تأثیر کرد به طوری که سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی را احضار کرد و بشدت به این نطق اعتراض کرد و به حداعلای عصبانیت رسید. تنها مردی مدبر و شجاع و قوی‌القلب مانند سید عبدالله توانست او را بانصایح پدرا نه و خون سردی فراوان آرام و مجاب کند.

محمدعلی شاه هم سخنان متین سید عبدالله را پسندیده دست از آشوب و هیاهو برداشت. اما در باب سایر حقوق بگیرها، قسمت اعظم این وجوه به عنوان مستمری پرداخته می‌شد، یعنی فرد یا خانواده ای از طرف شاه مورد عنایت قرار می‌گرفت و شاه در حق او وجهی حواله بر «خزانهٔ عامره» می‌کرد که هر ساله، بدو می‌رسید، در مقابل این نوع حقوق اغلب کاری صورت نمی‌گرفت. از زمان بلژیکها حقوق در مقابل کار ایجاد شد. ولی البته نه نوع و طرز آن با امروز تطبیق می‌کرد نه میزان حقوق بگیرها. این نوع حقوق یعنی پول در مقابل کار را استصوابی می‌گفتند، گاهی بعضی اشخاص که کارهای پر مسئولیت مهمی داشتند. علاوه بر مستمری، حقوق استصوابی هم می‌گرفتند، مثلاً میرزا محمدحسین منگنه برای منصب استیفای کل ۴۴۰۰ تومان استصوابی و ۳۶۰۰ تومان مستمری می‌گرفت.

در کمیسیون مالیه سه نفر از وکلا جلب توجه می‌کردند. سیدحسن تقی زاده و هم شهری او حاج میرزا ابراهیم وکیل تبریز به مناسبت تندی و اعتراض به کلیهٔ مستمریات و پیشنهاد کسر و تنزیل آنها و معتمدالممالک به مناسبت خبرت و آشنائی کامل به امور مالی.

در این کمیسیون صورت مخارج که اصطلاحاً فرد خوانده می‌شد و در حدود صد هزار ورقه بود قرائت می‌گردید و وکلا نظر خود را ابراز می‌داشتند و کار وکلای تندرو در کسر مستمریات به جایی رسیده بود که نسبت به مستمریات دوستان بلکه به مستمری خودشان نیز اعتراض می‌کردند. مثلاً یک روز که صورت کتابچه آذربایجان را می‌خواندند، یکی از وکلای تبریز از اطاق خارج شد. زیرا که می‌دانست که اسم او خوانده می‌شود و نمی‌خواست که حضور او موجب رود ریاستی دیگران شود. وثوق الدوله که عضو کمیسیون بود اظهار داشت که از رفقای ما هستند و کسر آن صلاح نیست. ولی یکی از وکلای دیگر آذربایجان اعتراض کرد و مستمری او از ۲۳۰۰ تومان به ۱۸۰۰ تومان تنزل یافت.

تاروژی نوبت اسامی به پدر تقی زاده رسید و تقی زاده خود اولین بار اعتراض نمود و پیشنهاد قطع کرد. اما موضوع مستمری وی این بود که پدر او مردی متقی و پیشنماز یکی از مساجد تبریز بود که چون زهدی وافر و استغنائی کامل داشت، بر خلاف سایرین حشر و نشری با درباریان مظفرالدین میرزا نداشت. به همین جهت مظفرالدین میرزا خیلی مایل بود او را ببیند. تا اینکه یک روز که ولیعهد سوار کالسکه خود بود آن مرد متقی را دید و قبل از آنکه وی بگریزد او را در آغوش کشید و به اصطلاح خود صیغهٔ اخوت خواند. بنا بر این آشنائی، پس از آنکه به سلطنت رسید، خواست دهی به وی دهد. ولی پدر تقی زاده نپذیرفت و مظفرالدین شاه سالی ۱۰۰ تومان و ۱۲ خروار غله به اسم اولاد او مستمری در حق آن خانزاده برقرار کرد و همین مبلغ بود که مورد اعتراض تقی زاده گردید و او در راه حفظ اصول از حق خویش گذشت. مجلس برای نمایندگان دارالشورای ملی هم حقوقی معین کرد که خود داستانی دارد.

حقوق و کلا به ماهی صد تومان قرار گرفت. ولی جز سیصد و پنجاه تومان یعنی حقوق سه ماه و نیم دیگر پرداخت نشد و کمتر کسی هم از و کلا به دنبال وصول آن رفت. تنها آقا سید حسین بروجردی مدیرالاسلام معروف به چراغچی همیشه در فکر وصول این حق مشروع خود بود. این مرد شریف همان کسی است که در موقع تاجگذاری محمد علی شاه که از مجلس دعوت به عمل نیامده بود نطق بسیار تندی کرد و شجاعت و جسارت خود را ثابت نمود. اما اقدامات چراغچی به جایی نرسید. و هنوز و کلاهی دوره اول (اگر کسی از آنان مانده باشد) بقیه حقوق خود را طلبکارند. [rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

قصه بسیار شریفی که در هنگام تنظیم بودجه در مجلس روی داد این بود که وزیر مالیه میرزا محمد علی خان قوام الدوله که آشنا به زبان خارجی نبود و چون غالباً در میان صحبت اصطلاح «لیست سیویل» پیش می آمد وی چیزی نمی فهمید بالاخره يك روز طاقت نیاورد و سر به گوش و ثوق الدوله گذاشته گفت این همه شما می گوئید «ریش سیبل» چه معنی دارد؟ من از مصطفی هم پرسیدم او هم نمی دانست (مقصود از مصطفی پسر او مصطفی خان دوام الدوله بود که زبان فرانسه می دانست). این بی اطلاعی وزیر مالیه چندان نباید موجب تعجب شود. چه در آن موقع به علت عدم آشنائی مردم با این گونه اصطلاحات و کلمات از این اتفاقات بسیار روی می داد. و کیل دوره اول بروجرد مردی بود به نام مشیرالسلطان که از و کلاهی فکلی مجلس بود و بسیار خوش لباس و خوش وضع به مجلس می آمد. وقتی که در موقع طرح قانون مالیات بر نواقل این عبارت خوانده شد که نواقل ذیل از مالیات معاف است: نواقل صحیه و بلدییه و عسکریه، غفله و کیل فکلی بروجرد، بانهایت عصبانیت گفت عجب! چطور می خواهید که نواقل عسکر را از مالیات معاف کنید. در صورتی که او علاوه بر منافع سرشاری که می برد، موجب زحمت مردم را هم فراهم می کند. البته خوانندگان متوجه شده اند که او کلمه عسکریه (نظامی و قشونی) را با عسکر

گاریچی که راه طهران به قم را درمقاطعه داشت اشتباه کرده بود و باید به خاطر داشت که یکی از درخواستهای اولیه مهاجرین به حضرت عبدالعظیم برداشتن عسگر گاریچی از این شغل بود. عسگر گاریچی خال و به اصطلاح دائی (محمود محمود نماینده شهرضا) بود که هشت جلد کتاب او در موضوع روابط ایران و انگلیس معروف است. [rouzaneha.org](http://rouzaneha.org)

بدین ترتیب مجلس اول با همه بی تجربگی، با قدم‌های ثابت، در پرتو مشعل ایمان، راه سخت و صعبی که تا آن روز هیچکس جرأت عبور از آن را نکرده بود پیمود و توانست مالیه مملکتی را که در حدود ۱۵ کرور و نیم عایدات و ۴۱۰۵ کرور مخارج داشت تعدیل بخشد و میزان مخارج را به ۱۴ کرور تقلیل دهد و هر ساله بالغ بر یک کرور بر صرفه جوئی و اعتبار صندوق دولت بیافزاید.

"ویژه نامه‌ها"

نشر دیگران 1 2 3

روزانه‌ها... نشر دیگران روزانه‌ها... نشر دیگران